

مجازات قتل ناشی از سم در فقه مذاهب اسلامی

سهیلا رستمی^۱، وریا حفیدی^۲، فرزاد پارسا^۳، زهرا احمدی^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۳۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۲۹)

چکیده

از جمله کاربردهای سم، استفاده از آن برای قتل است. فقها در ارزیابی و تحلیل قتل با سم اختلاف نظر دارند. خاستگاه‌های این اختلاف، تفاوت در قدرت کشندگی سموم، تفاوت تأثیر سم بر اساس شرایط مقتول و کیفیت استفاده از آن است. اختلافات مذکور سبب تفاوت دیدگاه فقها در تبیین نوع قتل و کیفیت مجازات در آن شده است. به این صورت که گروهی از فقها قتل مذکور را عمد، و قصاص را لازم‌الاجرا و گروهی آن را شبه عمد و مستوجب دیه می‌دانند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی حکم قتل با سم در فقه اسلامی به صورت مستدل می‌پردازد. حاصل استقراء و بررسی ادله، پذیرش عمدی بودن قتل با سم و جواز قصاص قاتل در صورت وجود شرایط و درخواست اولیای دم، با ابزاری غیر از سم برای اطمینان از عدم افراط در اجرای مجازات می‌باشد.

کلید واژه‌ها: سم، قتل، مسموم، مجازات، فقه.

-
۱. استادیار گروه فقه و حقوق شافعی دانشگاه کردستان؛ Email: rostamisoheila@gmail.com
 ۲. استادیار گروه فقه و حقوق شافعی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)؛ Email: w.hafidi@uok.ac.ir
 ۳. دانشیار گروه حقوق شافعی دانشگاه کردستان؛ Email: farzad4083@gmail.com
 ۴. دانش‌آموخته فقه شافعی کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان؛ Email: zahraahmadi8914yu@gmail.com

۱- مقدمه

قتل از جرایمی است که حرمت آن در ادیان مختلف مورد تأکید قرار گرفته و در اسلام نیز کشتن یک نفر به ناحق، به سان کشتن همه مردم قلمداد شده [مائده/۳۲]، و حق قصاص برای صیانت جان انسانها، تشریح شده است. یکی از روش‌های وقوع قتل که در تعیین نوع آن و کیفیت مجازات قاتل اختلاف نظر وجود دارد، ارتکاب قتل با استفاده از سموم طبیعی و شیمیایی است. سموم جزئی از عالم طبیعت بوده و در کنار مضرات، دارای منفعی نیز هستند. از دوران باستان، سم در کنار استفاده دارویی و ابزاری، به عنوان وسیله‌ای برای کشتن انسان‌ها نیز به کار رفته است. ارتکاب قتل با سم و تعیین نوع قتل، سبب طرح این موضوع در میان فقهای مذاهب اسلامی گشته و در نتیجه در تحلیل و ارزیابی آن اختلافات متعددی به وجود آمده است.

موارد اختلاف در تحلیل قتل با سم عبارتند از: الف) اختلاف بر کشته شدن سم با توجه به تنوع و تعدد سموم، ب) اختلاف در شرایط مقتول در تعیین نوع قتل، ج) کیفیت و نحوه قصاص قاتل. علل اختلافات مذکور را می‌توان در سؤالات زیر مطرح نمود.

۲- سؤالات تحقیق

- ۱) قتل با سم جزو کدام یک از انواع قتل به‌شمار می‌رود؟
 - ۲) شرایط مقتول چه تأثیری بر تعیین نوع قتل دارد؟
 - ۳) کیفیت قصاص قاتل با سم، به چه صورت اجراء می‌شود؟
- برای پاسخ به سؤالات فوق، پس از بیان ماهیت سم، به بیان آراء و دلایل مذاهب فقهی و تحلیل و ترجیح آنها پرداخته خواهد شد.

۳- پیشینه تحقیق

بررسی احکام سم در لابلای کتب فقهی امامیه و اهل سنت در باب جنایات و مبحث مربوط به قتل و انواع آن به صورت مختصر ذکر شده است. با بررسی‌های انجام شده درباره موضوع حاضر، تحقیق و مقاله‌ای با این عنوان به‌دست نیامد، هرچند پژوهش درباره موضوع کلی سم خالی از سابقه نیست؛ اما پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی ماهیت، کارکرد و نحوه استفاده از سموم در علوم زیستی و کشاورزی اختصاص یافته و پژوهش ویژه در باب استفاده از سم برای قتل از منظر فقهی نگاشته نشده است.

۴- نوآوری تحقیق

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی از نوع تحلیل محتوا، در صدد پاسخگویی به سؤالات مربوط به بررسی احکام قتل با سم و چگونگی آن در فقه مذاهب خمس از طریق تتبع در منابع اصیل فقهی، و تطبیق آن با دستاوردهای جدید علوم تجربی می‌پردازد، تا از این راه پاسخی منطقی و تحلیلی برای سؤالات فوق بیابد، و از آنجا که تا کنون پژوهشی مستقل که به تقریر دیدگاه‌های موجود و تحلیل ادله طرفین بپردازد، نگاشته نشده است؛ بررسی و تحلیل دیدگاه‌های موجود و ترجیح آراء فقهی در این حوزه، از جنبه‌های نوآوری این تحقیق به‌شمار می‌آید.

۵- مفهوم‌شناسی سم

واژه «سم» در لغت به معنای سوراخ، سوراخ سوزن و ماده کشنده است. [۳۰، ج ۱۲، ص ۴۲۷] به منافذ پوست که عرق و سایر مواد از آنها خارج می‌شود، «مسام» گفته شده [۷، ج ۱۲، ص ۳۰۲] و بر این اساس به ماده‌ای که از طریق این منافذ به سیستم بدن وارد و فعالیت طبیعی بدن را دچار اختلال می‌کند، «سم» اطلاق شده [۲۹، ج ۹، ص ۴۲۲]، و به نوشیدنی یا غذایی که در آن سم باشد، «سمی» یا «مسموم» گفته می‌شود. [۳۴، ج ۱، ص ۱۱۲۳]

در اصطلاح علم سم‌شناسی، به هر ماده‌ای که اثرات زیان‌بار روی موجودات زنده دارد، «سم»^۱ اطلاق می‌شود. بر این اساس، همه مواد به‌صورت بالقوه سم هستند و ماده غیرسمی وجود ندارد؛ بلکه میزان آن سبب سمی بودن یک ترکیب می‌شود. [۲۰، ص ۲۰] منابع فقهی تعریف خاصی از «سم» ارائه نکرده‌اند، بلکه با تکیه بر مفهوم عرفی و لغوی تنها به بیان احکام «سم» پرداخته‌اند، که مصادیق بارز آن زهر حیوانات کشنده و برخی از مواد شیمیایی مهلک می‌باشد.

سابقه استفاده از سم، به حدود شش هزار سال قبل از میلاد بر می‌گردد که سموم حیوانی و عصاره‌های گیاهی را به منظور شکار، جنگ، قتل و آدم‌کشی به کار برده‌اند. [۱۵، ص ۷۴؛ ۱۰، ص ۴۷] از دیگر مصارف سم، استفاده پزشکی [۲۶، ص ۲۵]، مجازات مجرمان [۱۳، ص ۱۷] بوده و حدود قرن ششم میلادی در دوران ساسانیان، استفاده از گیاه درمانی و برخی از گیاهان زهردار برای درمان بیماریها در پزشکی مورد مطالعه قرار گرفته است. [۴۰، ص ۸۵؛ ۱۵، ص ۷۴] بدیهی است که با پیشرفت علوم و آشنایی بیشتر با ماهیت و کارکردهای سم، تحلیل مباحث فقهی مرتبط بدان نیز باید از دقت بیشتری برخوردار باشند.

۶- قتل با سم

«قتل» در اصطلاح عبارت است از فعلی که به وسیله آن روح از بدن خارج می‌گردد. شافعیه، حنبله و امامیه قتل را به سه دسته عمد، خطا و شبه عمد تقسیم می‌نمایند [۴۱، ج ۱۸، ص ۴۵۲؛ ۱۹، ج ۴، ص ۲۳۱]، و احناف آن را به پنج دسته عمد، شبه‌عمد، خطا، شبه‌خطا و قتل سببی تقسیم‌بندی می‌کنند. [۳، ج ۳، ص ۷۸۷] مالکیه نیز معتقدند قتل یا عمد است یا خطا؛ زیرا قاتل یا قصد قتل را دارد، که در این صورت قتل عمد است و یا قصد قتل را ندارد، که در این صورت، قتل خطاست. [۲۸، ج ۴، ص ۱۶۱]

چنانکه گذشت، یکی از عوامل تأثیرگذار در تعیین نوع قتل، ابزار مورد استفاده و میزان مهلک بودن آن می‌باشد؛ از این‌رو؛ یک ابزار می‌تواند برای کشتن فردی مهلک به‌شمار آید، در حالی که همان ابزار، برای کشتن فرد دیگر غیر مهلک تلقی شود. تفاوت قدرت کشندگی سموم و نحوه تأثیر آن با توجه به شرایط فیزیولوژیک افراد، سبب اختلاف فقها درباره حکم قتل با سم شده است؛ برخی آن را قتل شبه‌عمد و خطا به‌شمار آورده و دسته‌ای دیگر آن را جزو قتل عمد قرار داده‌اند. در ادامه به بررسی دیدگاه فقها و دلایل آنها پرداخته خواهد شد.

۶-۱- طرفداران شبه‌عمد و خطایی بودن قتل

گروهی از فقهای حنفی و برخی از شافعیه معتقدند قتل با سم قتل عمد نیست؛ زیرا سم همواره کشنده نبوده و عوامل متعددی همچون ترکیب آن، وضعیت جسمی مقتول، شرایط زمانی و مکانی و غیره در مهلک بودن آن مؤثرند و نمی‌توان با قاطعیت حکم به قتاله بودن سم داده و در این حالت تفاوتی ندارد که قتل با علم و اکراه صورت گرفته باشد یا بدون علم و اکراه. [۳، ج ۵، ص ۳۸۴؛ ۲۵، ج ۴، ص ۷]

این گروه معتقدند ظاهر و کیفیت قتل با سم، اختلاف چندانی در ماهیت عمل نداشته و انجام قتل به‌صورت خوراکی، پوشیدنی یا هر شکل دیگر قتل غیرعمد به‌شمار می‌آید و به‌دلیل همراهی ظاهری مقتول در این نوع قتل و احتمالات متعددی که در تأثیر سم بر قتل وجود دارد، قصاص جایز نبوده و دیه شبه‌عمد و در مواردی دیه قتل خطا تعلق می‌گیرد. [۲۱، ج ۷، ص ۲۴۲؛ ۳۶، ج ۷، ص ۲۳۵] عمد نبودن قتل با سم نزد برخی از فقهای حنفی تا جایی مورد تأکید قرار گرفته که اگر مقتول بدون علم از مسموم بودن غذا یا نوشیدنی آن را از قاتل گرفته و بر اثر خوردن آن بمیرد، قاتل نه تنها قصاص نشده و ملزم به پرداخت دیه

نمی‌گردد، بلکه تنها حبس یا تعزیر می‌شود؛ اما در صورتی که سم را در گلوی او بریزد، در این حالت قتل شبه عمد و موجب دیه بر عاقله است. [۳۶، ج ۷، ص ۲۳۵] این گروه برای اثبات دیدگاه خود به دلایل زیر استناد کرده‌اند:

۱- روایت مالک بن انس که: «زنی یهودی در غذایی که برای پیامبر(ص) آورده بود، سم ریخت و پیامبر(ص) از طریق وحی، از سمی بودن غذا مطلع شدند و از آن زن در مورد علت کارش سوال پرسیدند. پیامبر(ص) با وجود اعتراف زن به قصد کشتن، وی را قصاص نکرده و فرمودند: «امکان ندارد خداوند تو را بر کشتن من چیره سازد» و اجازه قتل یا قصاص زن را صادر نکردند. [۹، ج ۴، ص ۲۹۴] این گروه با استناد به حدیث اخیر گفته‌اند، چنانچه کسی غذایی مسموم را به دیگری بدهد، قصاص بر او واجب نیست؛ زیرا پیامبر(ص) آن فرد یهودی را علی‌رغم آن که یکی از اصحابش، یعنی بشر بن البراء را کشت، قصاص نکردند. بنابراین از آنجا که عقوبت قتل با سم و امور مشابه نزد پیامبر(ص) قصاصی نداشته، این امر دلالت بر عدم قصاص در قتل با سم و امور مشابه را می‌نماید. [۱، ج ۱۰، ص ۶۳۲؛ ۴، ج ۹، ص ۳۲۸؛ ۲۲، ج ۲۶، ص ۲۸۰].

۲- از نظر عقلی اگر شخصی چاقویی را به فردی بدهد و آن فرد با چاقو خود را بکشد، مقتول مباشر و شخص اول سبب خواهد بود. در این حالت به دلیل غلبه مباشر بر سبب، قصاص صورت نمی‌گیرد، هر چند سبب به دلیل تسهیل جرم، گناهکار شناخته شده و تعزیر می‌شود و اختلافی در میان فقها در این باب وجود ندارد. با قیاس بر همین امر، چون قتل با سم در غالب حالات با علم و اختیار مقتول مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ لذا مقتول مباشر بوده و سبب که دسترسی به سم را تسهیل نموده است، نقش کمتری در تحقق قتل دارد و قتل عمد به‌شمار نیامده و قصاص صورت نمی‌گیرد. [۴۱، ج ۱۸، ص ۳۸۹؛ ۲۲، ج ۲۶، ص ۱۵۳]

۳- اگر کسی غذای فردی را مسموم کند و فرد غذا را بخورد و بمیرد، آن شخص مجازاً قاتل است و سم، در حقیقت قاتل است و علاوه بر این، در لغت عرب نیز به آن شخص «قاتل» گفته نمی‌شود و اطلاق قاتل به او فقط در بین عامه مردم رایج است؛ بر این اساس فرد حقیقتاً قاتل به‌شمار نمی‌آید و قصاص او جایز نبوده و قتل عمد نخواهد بود. [۱، ج ۱۰، ص ۶۳۲؛ ج ۱۱، ص ۲۸]

۴- در قتل با سم این شبهه وجود دارد که احتمالاً مقتول خود، سم را خورده و اجباری در کار نبوده و با استناد به احادیثی همچون: «أدرؤوا الحدودَ عن المسلمین ما

اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَخْرَجٌ فَخَلَّوْا سَبِيلَهُ، فَإِنَّ الْإِمَامَ إِنْ يُخْطِئُ فِي الْعَفْوِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يُخْطِئَ فِي الْعُقُوبَةِ» [۱۲، ج ۹، ص ۲۰۷]؛ و «ادرووا الحدود بالشبهات» [۲۳، ج ۲، ص ۱۰۲]؛ توصیه شده که در صورت وجود شبهه، حدود و مجازات‌هایی که امکان تجدیدنظر در آنها وجود ندارد، تخفیف یافته و قصاص یا قطع عضو صورت نگیرد. با استناد به دلایل فوق و دیگر مستندات نقلی و عقلی، طرفداران این دیدگاه قتل با سم را قتل عمد به‌شمار نیاورده و معتقد به قصاص قاتل نیستند.

علت اصلی مخالف دسته اخیر با عمدی بودن قتل با سم، عدم اطمینان از تأثیر مستقیم سم و مهلک بودن آن می‌باشد؛ چون برخلاف دیگر ابزارهای قتاله همچون: شمشیر، نیزه، تفنگ و سایر سلاحها که قدرت و تأثیر کشندگی آنها مشهود است؛ مهلک بودن سم به دلیل ماهیت ظاهری و تأثیر عوامل مختلف در نحوه و میزان تأثیر آن متفاوت می‌باشد و این تفاوت مانع پذیرش عمدی بودن قتل با سم از نظر این دسته از صاحب‌نظران شده است. استدلال به عدم قصاص فردی که غذای پیامبر(ص) را مسموم کرده بود، نیز صحیح نیست، چون ادامه ماجرا در روایات دیگر ذکر شده که بیانگر قصاص قاتل است و نفی قصاص ناظر به عدم مجازات به خاطر شروع به جرم است. در نقد استدلال دوم نیز می‌توان گفت، احتمال علم و اختیار مقتول، خلاف ظاهر و اصل است و برای اثبات امر خلاف ظاهر نیاز به بینه است و به صرف احتمال نمی‌توان، ظواهر را نادیده گرفت و در قتل با سم حمل بر ظاهر و پذیرش عدم علم و اختیار، بیشتر قابل پذیرش می‌باشد؛ چون بر خلاف سایر ابزارهای قتاله، سم به‌صورت نوشیدنی و یا خوراکی مصرف می‌شود که احتمال اختیار یا علم به ماهیت سم را کاهش می‌دهد. در نقد استدلال به اطلاق قاتل بر سم به معنای حقیقی، می‌توان گفت این احتمال در مورد قتل با شمشیر و سلاح‌های دیگر نیز می‌تواند مطرح شود و ضعف این استدلال مشخص است. در نقد استدلال به احتمال اختیار مقتول، باید گفت احتمال مذکور خلاف اصل بوده و برای اثبات امر خلاف ظاهر، نیاز به بینه است و در صورت عدم دلیل شبهه غیرمعتبر و احتمال ضعیف، امکان عدول از ظاهر را به قاضی نمی‌دهد.

۲-۶- طرفداران عمدی بودن قتل

در مقابل دسته پیشین، گروه دیگر فقها، همچون: بعضی از احناف، مالکیه، امامیه، قول ظاهر شافعیه و قول مفتی‌به‌حنابله و قولی از ظاهریه معتقدند، قتل با سم، قتل عمد است و تفاوتی ندارد که مقتول به خوردن سم اکراه شده باشد و یا آن‌که با اختیار و

بدون علم به مسموم بودن غذا یا لباس از آن استفاده و فوت کرده باشد. در همه حالات مذکور، قتل عمد است، چون در این موارد تأثیر سم به عنوان آلت قتاله، همچون چاقو یا دیگر ابزارهای کشنده است که ترتب نتیجه و تحقق قتل با به کارگیری آن قطعی و مسلم می‌باشد. [۳، ج ۶، ص ۵۴۲؛ ۲، ج ۲، ص ۴۰۵؛ ۵، ج ۷، ص ۶۴۳؛ ۳۷، ج ۱۲، ص ۱۷۵؛ ۳۸، ج ۹، ص ۴۴۰] لازم به ذکر است فقها معتقدند، در صورت علم مقتول به مسموم بودن غذا یا لباس، مجنی علیه خود قاتل بوده و می‌توان فرد نخست را صرفاً به علت تسهیل دسترسی به سم و آلت قتاله تعزیر یا حبس نمود. [۱۹، ج ۲، ص ۵۱۶؛ ۳، ج ۶، ص ۵۴۲]

علاوه بر موارد مذکور، چنانچه شخصی به قصد قتل، سمی را که غالباً کشنده نیست به دیگری بدهد، قصاص واجب می‌شود؛ اما اگر قصد قتل نداشته باشد، قصاص واجب نیست. هم‌چنین اگر طعامی مسموم را به فردی بدهد که تصور می‌کند مهدورالدم است؛ اما بعداً مشخص شود که مهدورالدم نبوده است، قصاص واجب نیست و قتل شبه عمد به‌شمار می‌آید. [۱۹، ج ۲، ص ۵۱۷]

این گروه به دلایل زیر استناد نموده‌اند:

۱- عموم آیه ۱۷۸ سوره بقره که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ»، بر اساس این آیه قصاص در قتل واجب است و قتل با سم یکی از مصادیق لفظ عام «القتلی» به‌شمار آمده و ذیل حکم وجوبی آیه قرار می‌گیرد و دلیلی برای خروج آن از حکم آیه وجود ندارد. [۴، ج ۳، ص ۲۵۷]

۲- قصد شارع از قصاص در آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» [بقره/۱۷۹]، حفظ جان مردم و جلوگیری از تعرض به جان آنها بیان شده و این هدف در قتل با سم و هر ماده یا ابزار کشنده دیگر محقق می‌گردد؛ از این رو، خارج کردن سم از این هدف بدون استناد بوده و جایز نمی‌باشد. [۴۱، ج ۱۸، ص ۳۸۵]

۳- براساس آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيِّهِ سُلْطَانًا» [أسراء/۳۳]، حق قصاص یا دیه به اولیاء دم اعطاء شده و به دلیل آن که قتل با سم، جزو قتل‌های ظالمانه می‌باشد؛ به اولیاء مقتول اجازه داده شده تا با درخواست قصاص از دادگاه حق مقتول خویش را بازستانند. جواز درخواست قصاص برای قتل با سم، نشان‌دهنده امکان وقوع قتل عمدی با استفاده از سم و مواد مشابه آن است. [۲۷، ج ۲، ص ۱۷۷]

۴- دلیل دیگر این گروه قصاص آن زن یهودی است که گوشت مسموم برای پیامبر(ص) فرستاده بود و براساس روایت ابوهریره،^۱ یکی از صحابه به نام، بشر بن براء

۱. لازم به ذکر است که این روایت را مالک بن انس و ابوهریره با الفاظ مختلف و به دو صورت روایت نموده‌اند.

که از آن گوشت خورده بود، وفات یافت و پیامبر(ص) نیز آن زن را قصاص نمودند. [۹، ج ۴، ص ۲۹۶] طرفداران دیدگاه اخیر معتقدند از آنجا که عادت مردم بر این است که اگر غذایی را جلوی فردی قرار دهند، از آن می‌خورد پس مثل این است که او را مجبور به خوردن غذا کرده باشند؛ بنابراین قصاص بر شخصی که غذا را به مقتول داده، همانند زمانی که او را مجبور به تناول آن نماید، واجب است. [۴۱، ج ۱۸، ص ۳۸۵؛ ۲۷، ج ۲، ص ۱۷۷؛ ۴، ج ۳، ص ۲۵۷]

۵- استناد به سد ذریعه از ادله معتبر اصول فقه از دیگر دلایل طرفداران عمدی بودن قتل با سم می‌باشد. از نظر عقلی با توجه به آنکه سم غالباً کشنده است، از باب سد ذرائع و جلوگیری از ازدیاد قتل، قصاص در این حالت واجب است و عدم قصاص در قتل با سم زمینه ارتکاب با این شیوه را افزایش داده و موجب سلب آسایش و امنیت می‌گردد. [۴، ج ۹، ص ۳۲۲]

۶- استناد به ظاهر از دیگر دلایل طرفداران عمدی بودن قتل با سم است. از آنجا که عرف و عادت مردم آن است که کسی که غذایی یا نوشیدنی‌ای را به دیگری تعارف می‌نماید، یا او را دعوت به خوردن غذا می‌کند، اصل بر سالم بودن غذا یا نوشیدنی است و امتناع از آن، حمل بر بی‌حرمتی می‌شود؛ لذا شخص عادتاً دعوت را اجابت و از آن می‌خورد که اکراه و اجبار برای فرد است و چنین تصور می‌شود که فرد مجبور به خوردن یا آشامیدن شده است؛ بنابراین، قصاص واجب می‌شود همانند زمانی که شخص به صورت حقیقی اکراه به خوردن سم شده باشد. [۲۷، ج ۲، ص ۱۷۷؛ ۴، ج ۳، ص ۲۵۷]

قائلان به قصاص، علاوه بر بیان استدلال برای اثبات دیدگاه خویش، در رد استدلال‌های مخالفان قصاص گفته‌اند: در روایت گوشت مسموم که مورد استناد مخالفان قرار گرفته، ذکری از فوت صحابی به میان نیامده، بنابراین تا زمانی که شخصی، فرد دیگری را با سم نکشد قصاص واجب نمی‌شود و به نظر می‌رسد پیامبر(ص) قبل از مردن صحابی، زن یهودی را قصاص نکرده باشد؛ بلکه بعد از شنیدن خبر فوت آن صحابی در اثر خوردن سم، او را قصاص کرده باشد و بدین شیوه می‌توان احادیث را با هم جمع نمود. لازم به ذکر است، از آنجا که آن فرد یهودی قصد کشتن پیامبر(ص) را داشته نه یکی از صحابه را، بنابراین باز هم بر عمدی بودن قتل اشکال وارد نمی‌شود. [۵، ج ۹، ص ۳۲۲] از سوی دیگر، قیاس قتل با سم با قتل با چاقو قیاس مع‌الفارق است؛ زیرا در چاقو شخص نسبت به نفع و ضرر آن آگاه است؛ اما در قتل با سم، شخص از ماهیت کشنده بودن آن اطلاعی ندارد و بدون علم از سم استفاده می‌کند. [۵، ج ۹، ص ۳۲۲ و ص ۳۲۹]

۷- ضوابط وقوع قتل با سم

برخی از طرفداران قصاص، قتل با سم را در شرایط زیر قتل عمد عدوانی و موجب قصاص دانسته‌اند:

الف) سم به کار رفته [به تنهایی] کشنده باشد؛ چون بسیاری از مواد در صورت ترکیب بر همدیگر اثر گذاشته و احتمال کشنده بودن قطعی آن از بین می‌رود.

ب) سم با اختلاط آن با ماده دیگری سبب قتل شود؛ چون بسیاری از سموم با رنگ یا بو یا طعم اولیه قابل تشخیص بوده و اختلاط آن با غذا، نوشیدنی یا لباس موجب التباس بر مقتول می‌گردد.

ج) میزان سم به کار رفته برای کشتن مقتول کفایت کند.

د) شرایط آب و هوایی و محیطی برای تأثیرگذاری سم متناسب باشد؛ چون ساختار شیمیایی بدن در فصول و محیط‌های مختلف، متفاوت بوده که این امر در مورد بیماری‌ها نیز صادق است. در صورتی که قتل با شرایط مذکور همراه باشد، بیانگر علم و قصد تام شخص در کشتن مقتول بوده و شبهه‌ای که مانع اجرای حد باشد، وجود نخواهد داشت. لازم به ذکر است زمانی که شرایط فوق محقق نگردد؛ قتل، عمد به‌شمار نمی‌آید و به اولیای دم اجازه و امکان قصاص داده نخواهد شد، بلکه قتل شبه عمد و مستوجب دیه خواهد بود. همچنین چنانچه سم در غیر موارد مذکور، استفاده و سبب قتل گردد، قتل مذکور خطایی و در نتیجه موجب پرداخت دیه خواهد بود. [۳۷، ج ۱۲، ص ۱۷۵-۱۷۷]

۸- تأثیر شرایط مقتول در نوع قتل با سم

فقها معتقدند علاوه بر موارد مذکور شرایط مقتول نیز در تعیین نوع و مجازات قتل مؤثر است و دارای حالات زیر است:

۸-۱- مقتول مجنون یا صبی ممیز یا غیر ممیز باشد. چنانچه خورنده سم (مقتول) مجنون یا صبی ممیز یا غیرممیز و قاتل عالم به کشنده بودن سم باشد، قصاص واجب است و در این حالت آگاه کردن مقتول نسبت به سمی بودن آن تأثیری در حکم نداشته و به دلیل عدم یا نقصان عقل و اختیار، تغییری در حکم قصاص صورت نمی‌گیرد. علت قصاص قاتل در این حالت، عدم آشنایی مجنون یا صبی با مواد و سموم، و همچنین عدم توانایی تشخیص مصالح است؛ لذا اطلاع یا عدم اطلاع مجنون یا صبی، تأثیر در تغییر نوع جرم ندارد.

۸-۲- مقتول عاقل و بالغ باشد، در این حالت با توجه به عالم بودن مقتول احتمالات زیر وجود دارد:

۱- اگر قاتل به مقتول اطلاع دهد که ماده مورد نظر سمی است، در چنین شرایطی، قاتل نه تنها قصاص نمی‌شود، بلکه ملزم به پرداخت دیه نیز نمی‌گردد. در این حالت اشاره شخص به سمی بودن غذا یا نوشیدنی کفایت می‌کند و تصریح به کشنده بودن سم ضرورتی ندارد؛ چون زمانی که «سم» به صورت مطلق به کار رود، منظور سم قاتل است. [۵، ج ۷، ص ۶۴۳؛ ۱۶، ج ۶، ص ۲۴۱؛ ۱۸، ج ۵، ص ۴۲۹؛ ۴۱، ج ۱۸، ص ۳۸۹؛ ۶، ج ۸، ص ۲۱۳]

۲- اگر قاتل، مقتول را از سمی بودن ماده مورد نظر مطلع ننماید، فقها در حکم این مسأله دو دیدگاه دارند:

۱-۲- قاتل قصاص می‌شود؛ زیرا در دادن سم به فرد مقتول نقش مستقیم ایفاء کرده و عدم اطلاع‌رسانی وی سبب اصلی وقوع قتل به‌شمار می‌رود. بسیاری از فقها این رأی را صحیح دانسته‌اند. [۴۱، ج ۱۸، ص ۳۵۸؛ ۱۱، ج ۵، ص ۵۰۸؛ ۱۹، ج ۲، ص ۵۱۷]

۲-۲- قاتل قصاص نمی‌شود؛ [۱، ج ۱۰، ص ۶۳۲؛ ۴، ج ۹، ص ۳۲۸؛ ۲۲، ج ۲۶، ص ۲۸۰؛ ۴۱، ج ۱۸، ص ۳۸۹؛ ۱۸، ج ۵، ص ۴۲۹] زیرا اگر کسی غذای دیگری را مسموم کند و فرد غذا را بخورد و بمیرد، مجازا به او قاتل می‌گویند؛ اما در حقیقت آن فرد قاتل نیست. بلکه سم قاتل است و در لغت عرب نیز به او قاتل نمی‌گویند و تنها در بین عامه مردم این لفظ قاتل رایج است [۱، ج ۱۰، ص ۶۳۲]. طرفداران دیدگاه اخیر که معتقد به عدم قصاص قاتل هستند، در مورد ثبوت و وجوب دیه و عدم آن نیز اختلاف نظر دارند [۴۱، ج ۱۸، ص ۳۸۹].

۳-۲- اگر مقتول بالغ، عاقل، مکره و عالم به ماهیت سم باشد، فقها در حکم این مسأله دو دیدگاه دارند:

الف) احناف معتقدند در حالات مذکور قصاص منتفی و دیه بر عاقله قاتل واجب می‌شود؛ زیرا مقتول، خود سم را خورده و به چیزی اکراه شده که نتیجه آن با خوردن سم در یک حد قرار دارد و این امر سبب ایجاد شبهه در انتساب قتل به مکره گردیده و امکان درء حد را به دلیل وجود شبهه فراهم ساخته؛ لذا قصاص صورت نمی‌گیرد و قتل خطای عمد به‌شمار می‌آید [۲۲، ج ۲۶، ص ۱۵۳؛ ۳۶، ج ۷، ص ۲۳۵].

ب) شافعیه، امامیه و برخی دیگر از احناف معتقدند چنانچه ماده سمی کشنده باشد و مقدار سمی که فرد را مجبور به نوشیدن یا خوردن آن نماید، به اندازه‌ای باشد که سبب مرگ مقتول شود؛ مکره قصاص می‌شود [۳۷، ج ۱۲، ص ۱۷۵؛ ۳۱، ج ۷، ص ۴۵].
مبنای طرفداران دیدگاه اخیر، پذیرش اختیار در انتساب اعمال است و در صورتی

می‌توان عملی را به شخصی نسبت داد که با علم و رضایت و اختیار، آنرا انجام داده باشد و اکراه فرد به خوردن سم، ظهور در امتناع مقتول از خوردن داشته و عامل اصلی و فاعل حقیقی در این صورت مکره بوده که با انتساب حقیقی فعل به او، آثار و تبعات آن نیز به او نسبت داده می‌شود.

۹- تأثیر کیفیت استفاده از سم در مجازات

علاوه بر شرایط مقتول، کیفیت استفاده از سم نیز از دیگر مواردی است که در تحلیل نوع قتل مؤثر می‌باشد. با جمع‌بندی مصادیق متعدد در منابع فقهی، سه شیوه غالب استفاده از سم مورد بررسی فقها قرار گرفته است که در ادامه به اختصار می‌آید.

۹-۱- قتل با استفاده از ریختن سم در غذا؛ که دارای دو حالت کلی است:

الف) ریختن سم در غذای خود: اگر فردی در غذا یا آشامیدنی خود ماده‌ای سمی بریزد و دیگری بدون کسب اجازه، آنرا بخورد و بمیرد، در این حالت صاحب غذا نه تنها قصاص نمی‌شود، بلکه ملزم به پرداخت دیه نیز نخواهد بود؛ زیرا ظاهراً تفریط و افراطی از جانب او صورت نگرفته و کفاره‌ای هم ندارد. [۳۷، ج ۱۲، ص ۱۷۵؛ ۱۱، ج ۵، ص ۵۰۹؛ ۵، ج ۹، ص ۳۲۲؛ ۳۹، ج ۴۲، ص ۳۹] علت عدم الزام به پرداخت کفاره و دیه، آن است که صاحب غذا در این حالت مرتکب افراط و تفریط نشده است و مقتول با تعدی و تصرف در اموال غیر و بدون اذن، خود را به هلاکت انداخته است؛ لذا مقصر بوده و خونس هدر می‌باشد.

اگر شخص مورد نظر در غذای خویش سم ریخته و به مقتول اجازه خوردن غذا را بدهد؛ فقها به اتفاق معتقدند پرداخت دیه در این حالت واجب است؛ اما در مورد جواز قصاص قاتل، اختلاف نظر وجود دارد. موافقان قصاص معتقدند اجازه مالک به خوردن غذا با وجود علم به سمی بودن آن و عدم اطلاع‌رسانی به مقتول برای اثبات قصاص کفایت می‌کند؛ چون اگر اجازه مالک به خوردن غذا نمی‌بود، مقتول به خوردن غذا مبادرت نمی‌کرد. در مقابل مخالفان معتقدند خودداری قاتل از بیان واقعیت و اجازه برای خوردن غذا، موجب سلب اختیار نگشته و مقتول با رضایت خویش به خوردن غذا اقدام کرده، بنابراین، قصاص منتفی بوده و قاتل به پرداخت دیه ملزم می‌شود. بدیهی است که در صورت اطلاع دادن به مقتول نسبت به سمی بودن غذا، مسئولیتی متوجه صاحب غذا نمی‌شود. [۳۱، ج ۷، ص ۴۶؛ ۳۷، ج ۱۲، ص ۱۷۶؛ ۵، ج ۹، ص ۳۲۲] در مسأله اخیر،

دیدگاه موافقان قصاص صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ چون اذن صاحب طعام به منزله تأیید بوده و اذن مالک، ظهور در آن دارد که مقتول بدون اذن وی به خوردن طعام اقدام نکرده و نیز اذن مالک نوعاً دلالت بر تأیید و پذیرش آثار و عواقب آن می‌باشد.

ب) ریختن سم در غذای شخص دیگر: اگر شخصی در غذای فرد دیگری سم بریزد و آن فرد بدون اطلاع از سمی بودن؛ از آن بخورد و بمیرد؛ در مجازات قاتل اختلاف نظر وجود دارد. گروهی با استناد به نقش تام قاتل، معتقد به قصاص هستند [۳۷، ج ۱۲، ص ۱۷۶؛ ۳۱، ج ۷، ص ۴۶]. برخی نیز معتقدند به دلیل عدم دخالت مستقیم، و وجود شبهه قصاص جایز نیست و فقط دیه ثابت می‌شود. [۳۷، ج ۱۲، ص ۱۷۶] گروه سوم نیز معتقدند مجازاتی صورتی نمی‌گیرد؛ زیرا مقتول با اختیار خویش از غذای خود استفاده کرده و شخص خاطی فقط به فاسد کردن غذای او اقدام کرده؛ لذا قصاص و دیه واجب نمی‌شود. [۴۲، ص ۳۹۰] لازم به ذکر است اگر فردی به مسموم کردن غذای حیوان اقدام کند و صاحب حیوان از آن بخورد، در این حالت فرد ضامن نخواهد بود، مگر آن‌که شخص مسموم کننده به استفاده صاحب حیوان از غذا علم داشته باشد که در این صورت قصاص یا دیه واجب می‌شود. [۱۹، ج ۲، ص ۵۱۴]

دیدگاه موافقان قصاص، در این حالت به صواب نزدیکتر است؛ چون تعدی از جانب قاتل در این حالت متصور است و صورت مسأله دلالت بر آن دارد که مقتول با اطمینان از سلامت طعام به خوردن آن اقدام کرده و عدم اطلاع از مسموم بودن و خوردن غذا با اطمینان، دلالت بر پذیرش آثار سم ندارد.

۲-۹- قتل با استفاده از حیوانات سمی: از دیگر راه‌های قتل با سم؛ استفاده از حیوانات و جانوران سمی است که فقها درباره این موضوع و نوع قتل آن نیز دیدگاه‌های متفاوتی دارند. نخستین اختلاف در بررسی ماهیت قتل به وسیله حیوانات سمی است. برخی از فقها شرایط جغرافیایی و تنوع زیستی حیوانات سمی را در تشخیص نوع قتل مؤثر دانسته و معتقدند اگر قتل در منطقه‌ای کویری یا مانند آن، با مارها و عقرب‌های سمی، باشد، در این حالت قتل عمد و قاتل قصاص می‌شود اما اگر قتل در مناطقی با حیوانات غیرسمی یا با سم غیرکشنده اتفاق افتد، در این حالت، به دلیل غیرقتاله بودن ابزار قتل، قتل شبه‌عمد و فقط دیه ثابت می‌شود. لازم به ذکر است که برخی از فقها با تأکید بر کشنده بودن غالب حیوانات سمی و حمل بر اکثریت، معتقدند در هر صورت قاتل قصاص می‌شود و شرایط جغرافیایی تأثیری در تخفیف مجازات ندارد. [۴، ج ۳، ص ۲۵۷؛ ۲۴، ج ۶، ص ۴۳؛ ۳۱، ج ۷، ص ۴۴]

لازم به ذکر است طرفداران قصاص قاتل، شرایطی را برای وجوب قصاص در نظر گرفته‌اند. از جمله این که مقتول و یا حیوان سمی را برای فرار نداشته باشند. بر این اساس اگر فردی حیوانی سمی را به سوی دیگری پرتاب کند و فرد یا حیوان امکان فرار داشته باشند، امکان مذکور سبب ایجاد شبهه شده و قصاص صورت نمی‌گیرد اما اگر مقتول حبس شود و حیوان سمی را وادار به نیش زدن نمایند، در این حالت حیوان در حکم ابزار (آلت قتاله) بوده و قتل عمدی و موجب قصاص خواهد بود. [۲۴، ج ۶، ص ۴۴؛ ۳۱، ج ۷، ص ۴۴؛ ۴، ج ۳، ص ۲۵۷]

در قتل با استفاده از حیوانات سمی و یا وحشی، اصل آن است که حیوان همچون ابزار در نظر گرفته شود؛ چون حیوان به دلیل فقدان یا قلت درک و طبع غریزی، برای نجات و فرار از خطر تلاش کرده و این امر، پذیرش عمدی بودن قتل به وسیله حیوانات سمی و وحشی را تقویت می‌کند، مگر آن که مقتول در نجات جان خویش یا فرار از دست حیوان تفریط و کوتاهی کرده باشد.

۳-۹- قتل به دلیل تداوی با سم

چنانچه شخص مجروحی به هدف مداوا از سم استفاده کرده و فوت نماید، فقها در تعیین میزان نقش جراح و مجروح یا پزشک در قتل، با در نظر گرفتن میزان تأثیر آن در افراد حالات زیر را بیان نموده‌اند:

الف) اگر جراح زخم مهلکی بر مجروح وارد سازد که با استفاده از سم یا غیر آن، زخم موجب قتل شود؛ استفاده از سم برای مداوا تأثیری در حکم قتل نداشته و جراح قصاص می‌شود؛ [۳۸، ج ۹، ص ۳۴۰-۳۴۱؛ ۳۷، ج ۱۲، ص ۴۷؛ ۳۱، ج ۷، ص ۲۰-۲۲] اما اگر زخم مهلک نباشد و به دلیل گذشت زمان و عدم رسیدگی یا اهمال در مداوا و یا استفاده نامناسب از سموم و داروها سبب مرگ شود، در این صورت جراح تنها به قصاص جراحات یا دیه محکوم می‌شود.

ب) اگر مجروح در درمان زخم از سم کشنده استفاده کند و بلافاصله یا با گذشت زمانی اندک فوت کند؛ به دلیل آن که غالباً سم کشنده در زمان اندک موجب هلاک می‌شود؛ لذا انتساب قتل به جراح صحیح نبوده و جراح تنها به قصاص جراحات یا دیه آن محکوم می‌شود؛ اما اگر در صورت استفاده از سم با گذشت زمان موجب فوت مجروح گردد، در این حالت میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی حکم به قتل عمد و قصاص جراح داده‌اند؛ [۴۱، ج ۱۸، ص ۳۷۱؛ ۱۷، ج ۴، ص ۵۶۳] و برخی دیگر معتقد به پرداخت

نصف دیه و سقوط قصاص از جراح هستند. [۳۷، ج ۱۲، ص ۴۷؛ ۳۱، ج ۷، ص ۵۲۲؛ ۹، ج ۳۸۲].

ج) اگر مجروح در درمان زخم از سم غیرکشنده استفاده کند، غالب فقها قصاص را جایز ندانسته و معتقدند مجروح نیز به دلیل استفاده از ماده سمی در قتل شریک بوده و قتل، حاصل فعل هر دو می‌باشد، و در صورت فوت مجروح، قتل شبه عمد یا خطای محض است و جراح به نصف دیه محکوم می‌شود. همچنین استفاده غیرصحیح از دارو توسط مجروح نیز مسقط قصاص و دیه بوده و تنها دیه جراحت ثابت می‌شود. [۴۱، ج ۱۸، ص ۷۱؛ ۳۱، ج ۷، ص ۲۳؛ ۵، ج ۹، ص ۳۸۲]

۱۰- کیفیت قصاص قاتل

در صورت وقوع قتل با استفاده از سم و اثبات آن از طریق اقرار، بینه یا شهادت شاهدان؛ با درخواست اولیاء دم، اجازه قصاص صادر شده و فقها درباره کیفیت قصاص قاتل دو دیدگاه دارند:

۱-۱- غالب فقها معتقدند با توجه به تفاوت متابولسیم و وضعیت جسمی افراد قصاص با سم جایز نیست؛ زیرا احتمال دارد در صورت استفاده از همان میزان سم برای قصاص قاتل، قصاص واقع نشده و تجدید خوراندن سم به قاتل ظلم در حق او بوده و مخالف عدالت می‌باشد. از سوی دیگر، در صورت قصاص با سم امکان سرایت سم، در زمان غسل، تکفین و دفن وی، به دلیل تماس زیاد افراد با جسم مقتول، وجود دارد و علاوه بر آن ممکن است بیم از سرایت سم، در کیفیت تدفین وی تأثیرگذار باشد؛ لذا طرفداران دیدگاه اخیر معتقدند در هر صورت قصاص باید با شمشیر باشد. [۳۳، ج ۹، ص ۸۷؛ ۳۷، ج ۱۲، ص ۱۴۰؛ ۱۹، ج ۲، ص ۵۳۵]

۱۰-۲- گروه دوم معتقدند با توجه به لزوم مماثلت ظاهری در قصاص، قاتل باید با ابزاری که با آن مرتکب قتل شده است، قصاص شود. طرفداران این دیدگاه به احادیثی استناد کرده‌اند که در آنها پیامبر(ص) دستور دادند تا فردی را که با کوبیدن سنگ بر سر مقتول مرتکب قتل شده بود، را به همان صورت قصاص کنند. همچنین معتقدند رعایت مماثلت در قصاص، بازدارندگی بیشتر در ارتکاب قتل دارد. [۳۵، ج ۱۶، ص ۶۲؛ ۳۷، ج ۱۲، ص ۱۴۰؛ ۳۲، ج ۱۵، ص ۲۳۴] لازم به ذکر است که اختلاف مذکور در جواز قصاص عضو با استفاده از سم، نیز مشاهده می‌شود. با این تفاوت که در صورت سرایت

سم و کشته شدن جرح به دلیل استفاده از ابزار یا ماده سمی در ثبوت قصاص یا دیه اولیای دم اختلاف وجود دارد. به این صورت که برخی از فقها معتقدند در صورت قصاص عضو با سم و فوت جرح، ولی دم باید قصاص شود؛ اما به نظر می‌رسد دیدگاه مخالفان قصاص با سم، در این زمینه با احتیاط بیشتری همراه است و در صورت اتلاف عضو به دلیل استفاده از سم یا وقوع قتل، با استفاده از شیوه‌های مطمئن که امکان قصاص را بدون خوف ظلم در حق قاتل یا جرح، فراهم می‌سازد، استفاده کرد. از این رو بسیاری از فقها، لزوم قطع عضو با شمشیر را تنها راه جایز برای قصاص دانسته‌اند.

۱۱- نتایج و پیشنهادها

۱- اختلاف اصلی در تحلیل ماهیت و تعیین نوع قتل با سم، امکان و جواز پذیرش عمد بودن قتل با سم می‌باشد. با جمع‌بندی دلایل مخالفان به نظر می‌رسد اصلی‌ترین علت مخالفت آنها در پذیرش عمدی بودن قتل، تشکیک در قتاله بودن سم با توجه به تنوع سموم و تفاوت آشکار تأثیر انواع آن در افراد مختلف است. تفاوت کارکرد و عدم انضباط سبب شده که برخی از فقها، در مجازات قتل با سم، قصاص را جایز ندانسته و قاتل را محکوم به پرداخت دیه شبه عمد یا خطا نموده‌اند. در طرف مقابل، موافقان عمدی بودن قتل، معتقدند بقیه ابزارهای قتل نیز احتمال دارد در مواردی منجر به قتل نشده و این احتمال سبب پذیرش شبهه نمی‌شود. از این رو دلایل مخالفان عمدی بودن قتل با سم معتبر نمی‌باشد و با توجه به مقاصد شریعت در تحریم قتل و تشریح قصاص، می‌توان گفت پذیرش قصاص در قتل با سم، مجال سوء استفاده برای افرادی که قصد کشتن افراد را داشته و در عین حال خواهان اطمینان از عدم قصاص هستند، را محدود می‌کند. با این تحلیل دیدگاه اخیر موافق‌تر با مقاصد شریعت به نظر می‌رسد.

۲- قائلان جواز قصاص در قتل با سم، توجه به شرایط مقتول را ضروری دانسته و اظهار داشته‌اند اگر مقتول علم و اختیار نداشته باشد، قاتل قصاص می‌شود؛ بنابراین اگر مقتول صبی (ممیز یا غیر ممیز) یا مجنون باشد؛ اولیاءدم می‌توانند درخواست قصاص نمایند. همچنین اگر مقتول بالغ و عاقل باشد اما از وجود سم بی‌اطلاع باشد نیز قصاص جایز است. در صورتی که مقتول از وجود سم آگاه گردد؛ با این وصف آن را تناول کند، قتل عمد به‌شمار نمی‌آید. درباره جواز قصاص مکره هم اختلاف وجود دارد. با توجه به امکان تحقق اکراه در قتل با سم همچون سایر قتل‌ها، غالب فقها قائل به جواز قصاص مکره هستند؛ هر چند

فقهای حنفی به دلیل وجود شبهه و اراده حداقلی مقتول در نوشیدن یا استفاده از سم، قصاص را جایز ندانسته و آن را قتل شبه عمد به شمار آورده‌اند.

۳- در کنار شرایط مقتول، کیفیت ارتکاب قتل با سم نیز در تعیین نوع قتل مؤثر است. از رایج‌ترین اشکال قتل با سم، خوراندن مواد سمی و قتل با استفاده از حیوانات سمی است. حال اگر شخصی غذای خود را مسموم کند و مقتول بی‌اجازه از آن بخورد، صاحب غذا مجازات نمی‌شود و مقتول به دلیل تعدی مقصر شناخته می‌شود، اما اگر فردی غذای مسموم را در اختیار دیگری گذاشته یا سم را در غذای مقتول ریخته، تا از آن غذا یا نوشیدنی بخورد، در هر دو صورت، جمهور معتقد به جواز قصاص هستند. در طرف مقابل، مخالفان به دلیل وجود شبهه و وجود اراده مقتول در خوردن و نوشیدن غذای مسموم، آن را قتل عمد ندانسته و معتقد به عدم جواز قصاص می‌باشند. در صورت قتل با استفاده از حیوانات سمی نیز اگر امکان فرار مقتول یا حیوان وجود داشته باشد، قصاص جایز نمی‌باشد؛ چون در این حالت، مقتول در نجات خویش کوتاهی کرده و حیوانات سمی نیز به صورت غریزی از خطر فرار می‌کنند؛ لذا تحقق قتل حتمی نبوده و شبهه عمد می‌باشد. در حالت دیگر، اگر مقتول امکان فرار نداشته باشد، قتل عمد بوده و قصاص جایز است. هر چند برخی از فقها با استناد به طبیعت حیوانات سمی، در هر دو حالت قصاص را جایز می‌دانند.

۴- جرم قتل با سم از طرقی چون اقرار، بی‌بینه، و شهادت قابل اثبات است و در صورت عمد بودن قتل با سم، جمهور معتقدند قصاص با غیر سم صورت می‌گیرد؛ اما برخی با تأکید بر لزوم مماثلت مجازات با جرم، قائل به استفاده از سم هستند. با توجه به تفاوت قدرت سموم بر افراد مختلف، در صورت قصاص با سم، امکان دارد که قاتل با نوشاندن همان مقدار سم به قتل نرسد و الزام به خوراندن مجدد سم بیشتر نیز، اجحاف در حق قاتل است؛ لذا پیشنهاد می‌شود در چنین مواردی، برای انجام قصاص از ابزارها و طرق اطمینان بخش استفاده شود تا در حق قاتل و نحوه قصاص ظلم و تعدی صورت نگیرد.

۵- از خصایص فقه اسلام، اعتماد و استناد به یافته‌های علوم جدید در بیان احکام فقهی است. چنان‌که گذشت، اصلی‌ترین عامل اختلاف فقها در تعیین نوع قتل با سم، اختلاف و ابهام انواع سموم و تفاوت در قدرت کشندگی آن می‌باشد. بدیهی است که در صورت استفاده از یافته‌های علوم شیمی و دیدگاه‌های سم شناسی در تعیین نوع سموم و قدرت کشندگی آنها، با اطمینان خاطر بیشتری می‌توان نوع قتل‌ها را ارزیابی کرد و با تکیه بر گزارش‌های علوم مرتبط غالب اختلافات مذکور حل و فصل خواهد شد.

منابع

- [۱] ابن حزم، ابو محمد علی (۱۴۰۸). *المحلی بالأثنا، بی جا، بیت الأفکار الدولیه*.
- [۲] ابن رشد، محمد (۱۴۲۵). *بداية المجتهد و نهاية المقتصد، بیروت، دارالمعرفة*.
- [۳] ابن عابدین، محمد امین (۱۴۲۱). *حاشیة رد المختار علی الدر المختار، بیروت، دارالفکر*.
- [۴] ابن قدامه، عبد الرحمن (بی تا). *الشرح الكبير، بیروت، دارالکتب العلمیه*.
- [۵] ابن قدامه، عبد الله (۱۴۰۵). *المغنی، بیروت، دارالفکر*.
- [۶] ابن مفلح، ابو اسحاق ابراهیم (۱۴۲۳). *المبدع فی شرح المقنع، ریاض، دار عالم الکتب*.
- [۷] ابن منظور، محمد (۱۴۱۴). *لسان العرب، دارصادر، بیروت*.
- [۸] ابن نجیم، زین الدین (بی تا). *البحر الرائق شرح کنزالدقائق، بیروت، دار الکتب الاسلامی*.
- [۹] ابوداود، سلیمان (۱۹۹۸). *سنن ابوداود، بیروت، المكتبة العصرية*.
- [۱۰] استریپ، ریچارد (۱۳۸۹). *ابعاد قانونی سم، ت: مهدی کجانی حصاری، تهران، دانشگاه علوم پزشکی*.
- [۱۱] بهوتی، منصور (۱۴۰۲). *کشاف القناع، بیروت، دارالفکر*.
- [۱۲] بیهقی، احمد (۱۴۲۴). *السنن الكبرى، بیروت، دار الکتب العلمیه*.
- [۱۳] پوراحمد، جلال (۱۳۸۵). *سم شناسی عمومی، تهران، سماط*.
- [۱۴] ترمذی، ابو عیسی محمد (بی تا). *سنن الترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی*.
- [۱۵] جعفری، حسین (۱۳۹۵). *چکیده سم شناسی، تهران، حیدری*.
- [۱۶] خطاب الرعینی، شمس الدین (۱۴۱۲). *مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، بیروت، دار الکتب العلمیه*.
- [۱۷] حلی (ابن علامه)، محمد بن حسن (۱۳۸۹). *ایضاح الفوائد، قم، موسسه إسماعیلیان*.
- [۱۸] حلی (محقق)، نجم الدین (۱۴۰۲). *مختصر النافع فی فقه امامیه، تهران، موسسه النشر الإسلامی*.
- [۱۹] خمینی، روح الله (امام) (۱۳۸۹). *تحریر الوسیله، قم، موسسه نشر اسلامی*.
- [۲۰] دلیلی، غلامحسین (۱۳۵۸). *مسأله آفت کش ها، روش های غیرشیمیایی مبارزه با آفت، کرمانشاه، رازی*.
- [۲۱] رملی، شمس الدین محمد (۱۴۰۴). *نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، بیروت، دار الفکر*.
- [۲۲] سرخسی، محمد (۱۴۱۴). *المبسوط، بیروت، دار المعرفة*.
- [۲۳] سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۱). *الأشباه و النظائر فی فروع الفقه الشافعی، بیروت، دارالکتب العلمیه*.
- [۲۴] شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۱۰). *الأم، بیروت، دار المعرفة*.
- [۲۵] شربینی، محمد الخطیب (۱۴۱۵). *مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت، دار الکتب العلمیه*.
- [۲۶] شکرزاده لموکی و سعیدی ساروی، محمد و سهیل (۱۳۸۶). *مبانی سم شناسی، ساری، آوای*.
- [۲۷] شیرازی، صادق (۱۹۶۲). *شرح تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، نجف، مطبعة الأدب*.
- [۲۸] صاوی، احمد بن محمد (۱۴۱۵). *بلغة السالك لأقرب المسالك، بیروت، لبنان*.
- [۲۹] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی*.
- [۳۰] طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰). *جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بیروت، موسسه الرساله*.
- [۳۱] طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *المبسوط فی فقه الإمامیه، بیروت، دار الکتب الإسلامی*.
- [۳۲] عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۷). *مسالك الأفهام، بیروت، مؤسسه المعارف الإسلامی*.

- [٣٣] عيش، محمد (١٤٠٩). منح الجليل شرح مختصر سيد خليل، بيروت، دارالفكر.
- [٣٤] فيروزآبادي، محمد (١٤٢٦). القاموس المحيط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- [٣٥] قرطبي، أبو الوليد (١٤٠٨). البيان والتحصيل، بيروت، دارالغرب الإسلامي.
- [٣٦] كاساني، ابوبكر مسعود (١٤٢٤). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت، دارالكتب العلمية.
- [٣٧] ماوردي، أبو الحسن (١٤١٤). الحاوي الكبير، بيروت، دارالكتب العلمية.
- [٣٨] مرداوي، علاء الدين (١٤١٩). الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، بيروت، دارإحياء التراث العربي.
- [٣٩] نجفي، محمد حسن (بي تا). جواهرالكلام في شرايع الإسلام، بي جا.
- [٤٠] نجمآبادي، محمود (١٣٧٩). تاريخ طب در ايران، تهران، دانشگاه تهران.
- [٤١] نووي، يحيى بن شرف (١٩٩٧). المجموع شرح المهذب. بيروت، دار الفكر.
- [٤٢] ————— (١٤٢٥). منهاج الطالبين و عمده المفتين في الفقه، بيروت، دارالفكر.

